گزارش

بازار گرم خرید پهپاد در کشورهای عربی

در اوایل دهه ۲۰۰۰ ایالات متحده با استفاده گسترده از چنین سامانه‌هایی در شورای همکاری علاقه دیگران را هم برای استفاده از این سیستم‌ها برانگیخت. اما در واشنگتن این نگرانی وجود داشت که فناوری این سیستم‌ها به دیگر کشورها منتقل شود و همین موضوع سبب شد راه برای صادرات چین و ترکیه و به‌تازگی تلاش دیگر کشورها برای تولید آن در داخل باز شود. پس از یک دوره خرید گزینشی، برخی از کشورهای شورای همکاری به یکی از فعال‌ترین خریداران پهپاد تبدیل شدند.

امارات متحده عربی به‌تنهایی در سال‌های اخیر حدود ۵۰۰ پهپاد سفارش داده است. اینها شامل قراردادهایی با بایکار برای ۶۰ پهپاد بایراکتار TB2 متوسط و ۶۰ پهپاد سنگین کاینجی و ۱۲ اناوپا که مقرر آن در سوئیس است برای تأمین ۲۰۰ پهپاد روتورکرافت است. گروه بین‌المللی طلایی و آدامسی (ADASI)، زیرمجموعه‌های شرکت دفاعی امارات متحده عربی EDGE نیز قراردادی برای پهپادها بسته‌اند.

عربستان سعودی بزرگ‌ترین سفارش تاریخ پهپاد ترکیه را در سال گذشته در معامله‌ای به ارزش حدود سه میلیارد دلار انجام داد. دیگر کشورهای عضو شورای همکاری هم که چنین سیستم‌هایی را می‌خرند، در حال افزایش است. تا حدود سال ۲۰۱۷، تنها امارات و عربستان سعودی خرید کرده بودند. اما از آن زمان کویت، عمان و قطر نیز پهپادهای ترکیه یا چین را حتی با تعداد کمتر سفارش دادند. بی‌میلی ایالات متحده به در اختیار گذاشتن فناوری پیشرفته پهپاد که تا حدی ناشی از نگرانی آن درباره تضعیف رژیم کنترل فناوری موشکی بود، این کشور را در برآوردن تقاضای رو به رشد کشورهای شورای همکاری بازداشت. چین این خلا را پر کرد و در اوایل دهه ۲۰۱۰، با معاملات پیشگامانه‌ای مانند فروش چنگدو وینگ لونگ (Chengdu Wing Loong I) به امارات در حدود سال ۲۰۱۰ و همین سیستم به عربستان سعودی چند سال بعد، به تأمین‌کننده اصلی تبدیل شد. چین با فروش بیشتر پهپاد به این دو کشور و همچنین به عمان، به این موفقیت دست یافت.

اما کشورهای شورای همکاری به‌تازگی برای تأمین‌کننده ترجیحی جدید پیدا کرده‌اند: ترکیه. این تغییر به دلیل ناامیدی از برخی تجهیزات چینی بود. به‌عنوان مثال، عراق به دلیل مشکلات فنی مجبور شده است بیشتر سیستم‌های خود را زمین‌گیر کند. پهپادهای ترکیه نیز به دلیل حضور برجسته در جنگ در لیبی، جنگ بین آذربایجان با ارمنستان و جنگ در سوریه مورد توجه قرار گرفتند. ترکیه همچنین از توانایی خود برای تحویل سریع تجهیزات استفاده کرد. تحویل Bayraktar TB2 به امارات در مدت چند ماه پس از ثبت سفارش اتفاق افتاد. کویت، قطر و عربستان سعودی نیز از ترکیه خرید می‌کنند. امارات متحده عربی و عربستان سعودی دیگر از سیستم‌های وارداتی راضی نیستند و طراحی داخلی و ساخت پهپادهای مختلف را افزایش داده‌اند. این تلاش‌ها در ابتدا با هدف تأمین نیازهای نیروهای مسلح خود این کشورها انجام می‌شد، اگرچه هر دو کشور به صادرات نیز علاقه‌مند هستند.

گروه EDGE امارات در مرحله نهایی توسعه پهپاد Reach-S خود است؛ یک سیستم استقامت طولانی (MALE) در ارتفاع متوسط که قابلیت مسلح‌شدن دارد. پس از انجام چندین آزمایش پرواز نسخه بزرگ‌تر به نام Reach-M در نمایشگاه هوایی دوبی ۲۰۲۳ رونمایی شد. EDGE اعلام کرد که قصد دارد آزمایش پرواز را در سال ۲۰۲۴ تکمیل کند. این شرکت همچنین در مراحل اولیه توسعه Jenian، یک پهپاد بدون سرنشین بزرگ با موتور جت (UCAV) با ویژگی‌های قابل مشاهده کم (LOC) و حمل بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اسلحه است. یک مدل کوچک‌تر از Jenian حداقل از اواخر سال ۲۰۲۳ تحت آزمایش‌های پروازی قرار گرفته است.

عربستان سعودی از طریق شرکت‌های مانند Xi, Serb Unmanned Defense Technologies و INTRA تلاش‌های مشابهی را برای توسعه و ساخت پهپاد در داخل دنبال می‌کند. اینترا در حال توسعه Samoom است؛ یک MALE با ۴۰ ساعت استقامت.

MALE مخفف «Mid-Air Collision Avoidance System» به سیستم‌هایی اشاره دارد که بخشی از تجهیزات هواپیما برای جلوگیری از برخورد هوایی با دیگر هواپیماها استفاده می‌شود. این سیستم‌ها به پایش و تشخیص خطرات نزدیک و برخوردهای پتانسیلی با دیگر هواپیماها کمک می‌کنند تا از وقوع حوادث جلوگیری شود. یکی از مقامات این شرکت می‌گوید که Samoom باید تا پایان سال ۲۰۲۵ به نیروهای مسلح پادشاهی تحویل داده شود.

INTRA کارخانه را با ظرفیت تولید ۱۲۰ پهپاد در سال در ریاض افتتاح کرده است. به گفته ولید ابوخالد، مدیر اجرائی صنایع نظامی عربستان سعودی (SAMI)، ریاض همچنین قصد دارد مجوز تولید اکینچی ترکیه را صادر کند. این شرکت با طراح سیستم ترکیه‌ای بایکار برای واحد شرایط بودن خطوط تولید خود کار می‌کند. صنایع نظامی عربستان سعودی ۳۰۰ کارمند سعودی را برای آموزش و همکاری به بایکار فرستاده است تا پایه مهارت‌های خود را تقویت کند. و با تولد تلاش‌های داخلی، بعید به نظر می‌رسد که کشورهای شورای همکاری، خرید سیستم‌های خارجی را برای حفظ روابط استراتژیک کاملا متوقف کنند. ایالات متحده همچنین هنوز می‌تواند به یک بازیگر در بازار تبدیل شود و فضای رقابتی شدیدتری را ایجاد کند. واشنگتن سیاست محدودکننده خود که فروش خارجی پهپادهایش را محدود کرده بود، کاهش داده است. یکی از نمونه‌های بارز تصمیم برای فروش پهپادهای جوان انمیکس MQ-9B به هند بود.

واشنگتن همچنین فروش احتمالی پهپاد MQ-9B به امارات متحده عربی به همراه تسلیحات موشک‌ها را در قراردادی به ارزش تقریبا سه میلیارد دلار تایید کرد، اما تکمیل این توافق کند است و هنوز با گذشت بیش از سه سال نهایی نشده است و این نشان می‌دهد که صادرات هواپیماهای بدون سرنشین از سوی ایالات متحده به شورای همکاری همچنان یک امر پردست‌انداز است.

منبع: آی‌اس‌اس

بازخوانی تاریخی پرونده ایران - کنترا در گفت‌وگو با علی هاشمی در دومین سالمرگ رابرت مک‌فارلین (بخش پایانی)

مرحوم هاشمی به دنبال جانشینی بعد از امام نبود

«دیپلماسی نهان» در ایران هیچ‌گاه قطع نشده است

عبدالرحمن فتح‌الهی

عبدالرحمن فتح‌الهی: در بخش دوم و پایانی گفت‌وگو با علی هاشمی به‌عنوان چهره کلیدی مذاکرات موسوم به کانال ۲، تمرکز بیشتری روی قرائت سیاسی تهران و واشنگتن از این مذاکرات صورت گرفت تا ارزیابی او را از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از همدیگر در جریان مذاکرات مک‌فارلین داشته باشیم. علی هاشمی ضمن اشاره به این نکته که اساسا در قرائت سیاسی تهران موضوع جانشینی امام و مطرح‌شدن گزینه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی محل بحث نبوده است، تأکید دارد مذاکرات کانال ۲ که از طریق او انجام شده، به‌مثابه اولین تجربه دیپلماتیک سیاه بود که در قالب دیپلماسی نهان، قابلیت بحث و بررسی را دارد؛ دیپلماسی نهانی که از منظر علی هاشمی در این ۴۵ سال هیچ‌گاه قطع نشده است و با همه کشورهای منطقه و جهان انجام شده و در بازه‌های زمانی مختلف هم خروجی خود را داشته است. البته در ادامه این گپ‌وگفت با مذاکرات‌کننده کانال ۲ روی مقایسه تجربه مذاکرات مک‌فارلین با پرونده‌های مشابهی مانند مذاکرات برجام هم بحث‌هایی انجام شد که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

عکس: مهدی تاقی، شرق

قدری از سطح تحلیل دور شویم و دوباره به وقایع و رویدادهای مذاکرات بازگردیم که سؤالات، نقاط مبهم و تاریک آن بسیار زیاد است. یکی از پرسش‌هایی که دوست دارم از حضرت‌عالی داشته باشم، این است که آیا علی هاشمی در جریان سفر به آمریکا به اسرائیل هم سفر کرده بود؛ چون گفته بودید در یکی از فرودگاه‌های شبیه به کشورهای عربی یا ایسلند فرودی داشته‌اید؟

نه. اسرائیل نبود. ایسلند بود و کاملا هم مشخص است. من به اسرائیل سفر نکردم. من از اینجا به فرودگاه استانبول و از فرودگاه استانبول فکر کنم که یک فرودگاه اروپایی رفتم و بعد از آن به فرودگاه ایسلند و نهایتا مستقیم به آمریکا رفتم. بعد هم نکته مهم دیگر این بود که اصلا آنها (آمریکایی‌ها) در کانال ۲، ادعایشان این بود که می‌خواستند اسرائیل را حذف کنند؛ یعنی آمریکایی‌ها درباره نقش قربانی‌فر با توجه به نامه‌ای که من برای مرحوم هاشمی نوشته بودم، اعتماد نداشتند و نامه‌اش هم موجود است. آمریکایی‌ها گفته بودند که دیگر نمی‌خواهند از طریق کانال ۱ و مرحوم کنگرلو، مذاکرات ادامه پیدا کند، با وجود آنکه آنها مرحوم کنگرلو را شخصیتی صادق و درست می‌دانستند و اطلاع هم داشتند که او از طرف ایران چه پستی دارد یعنی آقای کنگرلو برای آمریکایی‌ها کاملا شناخته‌شده بود. چون می‌دانستند مشاور امنیت میرحسین موسوی، نخست‌وزیر ایران، است اما آن زمان هم که اطلاعات و وزارت و اینها مانند امروز تفکیک‌شده نبود. حالا که شما هم سیاه قدس را بردید، بگویم اصلا سپاه قدس بعد از فوت امام شکل گرفت. آن موقع اطلاعات سپاه و مجموعه زیر نظر آن بود... .

که زیر نظر آقای وردی‌نژاد و آقای...

وحیدی.

بله وحیدی...

که آقای وحیدی دو تا شعبه داشت. شعبه نظامی آن دست آقای محمد باقری بود که اکنون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هستند و قسمت دیگر مربوط به حوزه‌های عملیاتی بود.

به سؤال دیگر برسیم. شما در آمریکا گفته بودید مک‌فارلین را در مذاکرات ملاقات نکردید؟

اصلا مک‌فارلین وجود نداشت.

پس شما با الیور نورث مذاکرات را دامه دادید؟

بله.

با خود ریگان هم دیداری داشتید؟

نه، من با ریگان گفت‌وگو نکردم.

سؤال دیگری که می‌خواستم بپرسم، این بود که آمریکایی‌ها قائل به عدم اعتماد به اسرائیلی‌ها بودند یا واقعا می‌خواستند اسرائیل را از مذاکرات حذف کنند؟

ببینید شما درباره حضور شاهزاده جمله‌ای را مطرح کردید که آن زمان نمی‌توانستیم این‌گونه برآوردی داشته باشیم. آن زمان هم آمریکایی‌ها می‌گفتند که شاید اسرائیلی‌ها اهداف دیگری داشته باشند که با اهداف آمریکا مغایرت پیدا کند و حرف آنها این بود.

اگر این‌گونه است... آلبرت حکیم، امیرام نیر، دیوید کیمچه و بسیاری دیگر از چهره‌های اسرائیل درمذاکرات کانال ۱ و کانال ۲ چه می‌کردند؟

من هیچ‌کدام را نمی‌دانم؛ چون گزارش‌های مشاور امنیتی ملی آمریکا که متصدی این مذاکرات بود و همچنین مذاکرات وزارت امور خارجه آمریکا درباره وزیران پیاسام منتشر شده که حدود ۴۰ تا ۵۰ صفحه است و اتفاقا حرفی از این بابت نیست. در آن اسناد هشت یا ۹ گزینه برای آقای خمینی مشخص می‌شوند و می‌گویند که چه کسانی چه تفکری دارند. آقای تفرشی که در این متون که در آمریکا و انگلستان چاپ شده، متبحر است و می‌تواند در این زمینه خیلی خوب بزند که اصلا بحثی درباره مذاکرات با آمریکا برای دوره پیاسام مطرح نشد. این مذاکرات سال ۶۵ از حضور مشکلی به آن صورت هم برای امام مطرح نبود. در ضمن جنگ آن‌قدر ذهن‌ها را مشغول کرده بود که این چیزها اهمیت نداشت. باید به تاریخ آن روزها بازگشت. واقعا روزی بود که یک پالایشگاه ما را نزنند، یکی از خطوط لوله نفت ما را نزنند و یکی از فرماندهان خیلی شهید نشود.

مثلا یک روز مرحوم محلاتی شهید می‌شد و دو ساعت بعد یک فرمانده دیگر. حتی معلوم نبود که مرحوم هاشمی یا آقای خامنه‌ای هم زنده بمانند. من خاطرم هست که آن روزها عراق، ولنجک را زد و گفته بودند که اتفاقا جماران را زده‌اند؛ چون از نظر جغرافیایی ولنجک و جماران به هم نزدیک و هر دو در شمال تهران و در یک حیطه و محدوده هستند. در ضمن مرحوم هاشمی و خود آقای خامنه‌ای هم هر هفته می‌رفتند. پس چیزی نبود که تصور کنیم اینها می‌توانند زنده بمانند که حالا مرحوم هاشمی به ما حیات را بخشیدند. باید نظر من این بحث‌ها حاشیه‌ای است.

اما این روایت مشهور هم وجود نه اساسا ماجرای افشای مذاکرات توسط سیدمهدی هاشمی از طریق الشراع به دلیل نگرانی نیت مرحوم آیت‌الله منتظری درباره مذاکراتی بوده است که به دوران پیاسام و مرحوم خامنه‌ای نسکاه ارتباط داشته باشد؟

نه. اتفاقا اگر دقت کنید بعد از قطع مذاکرات نسکاه آمریکا نسبت به ایران بسیار تند شد. در راستای آن چیزی که قبلا گفتم شورای سران سه قوه به اضافه احمد آقا رفتند خدمت امام که ما تصمیم گرفته‌ایم گشتی‌هایی را که با یورچم آمریکا درگیر می‌کنند، نزنیم. امام در آن جلسه عنوان داشتند اگر من بودم می‌زدم، اما حالا که تصمیم هست شما این است که نزنیم، اشکال ندارد که عادتا اینها در خاطرات مرحوم هاشمی و رهبری در آینده منتشر خواهد شد. اما در نهایت (کشتی‌ها را) زدند. البته نکته‌ای که این حملات کار ایران است... .

نهایتا به اسم ایران تمام شد که به عملیات آخوندک منجر شد...

دقیقا؛ که عملیات آخوندک در جواب آن بود و خاطرم است آن زمان که آقای آقاژاده در ایک تشریف داشتند، گفتند سکوها را تخلیه کند. یعنی از ستاد وزارت نفت به کارکنان دستور داده بودند که سکوها رو تخلیه کنند.

پس شما متکر هستید که آن مین‌های دریایی کار ایران بوده است؟

نه من متکر نیستم، اما رسما ایران مسئولیت آن را نپذیرفت. مثل حملاتی که از طرف اسرائیلی‌ها به سوریه انجام می‌شود اما اسرائیل هیچ‌گاه مسئولیت رسمی آن را نمی‌پذیرد. ولی همه دنیا می‌دانند که این حملات جزء اسرائیل کشور دیگری انجام نمی‌شود. آن زمان هم همه می‌گفتند که این مین‌ها کار ایران است اما ایران هیچ‌گاه رسما بیانیه‌ای برای پذیرش مسئولیت رسمی آن نداد. مثلا در حمله اخیر به اسرائیل، ایران رسما آن را اعلام کرد یا بعد از تورم سردار سلیمانی، ایران رسما به پایگاه آمریکایی در عین‌الاسد حمله کرد که در این ساعت یا این دستور، حمله انجام شد. وقتی هم آن مین‌ها کار کناشته شد، همه گفتند که کار ایران است و بعد هم علیه ایران وارد عملیات شدند که این عملیات به گفته برخی‌ها در پایان جنگ و طبق نقش اساسی داشت. همان‌گونه که زمن هویلیمای مسافربری هم در این زمینه مؤثر بود که البته آمریکایی‌ها می‌گویند این را عمدا زدند.

ما یک روایت دوم‌ایه هم داریم. مثلا در موضوع ورود مک‌فارلین به تهران، مرحوم هاشمی در مصاحبه آذر ۶۵ با بی‌بی‌سی عنوان کرده‌اند که به محض ورود فهمیدیم این هیئت، نه یک هیئت ایرانی بلکه آمریکایی هستند که در رأس آن، مشاور امنیت ملی رونالد ریگان قرار دارد و مرحوم کنگرلو در تحویل محموله‌های سلاح به دولت و انتظار داشت با رهبری از طرف ایران مذاکره کند. آیا وافعا تصور این بود که امام با ریگان وارد گفت‌وگو شود؟

نه. تصور این را که امام وارد شود، نداشتند.

اما شما گفتید رهبر و آن زمان رهبر، امام بود.

نه. ببینید در مذاکرات کانال ۲ هم انتظار آنها همین بود.

که امام برای کار بیاید؟

نه امام، اما بالاخره مرحوم هاشمی، نخست‌وزیر یا بالاخره فردی دارای مسئولیت خاص گذرد و راست هم می‌گفتند؛ چون می‌گفتند که شما رسمی نیستید. من که دانشجو بودم و بقیه هم که به اسم سیاه مذاکره نمی‌کردند. اگر هم دقت کرده باشید، در اسناد کمیته تاور از او (وردی‌نژاد) به نام هیوا نام می‌بردند. چرا می‌گفتند هیوا؟! چون اعتقاد داشتند که این فرد، هم در کانال اول و هم در کانال دوم مذاکرات حضور داشته است. بنابراین باور داشتند این فرد در نظام شخص مهمی است که در هر دو باور داشتند. پس سیدمهدی هاشمی هم که در هر دو کانال حضور داشت، همین باور را نوشته بودند «هیوا»... .

و یکدند بودید که جاهایی هم با آقای محسن هاشمی تداخل پیدا کرده بودید و این تصور به وجود آمد که شما فرزند مرحوم هاشمی هستید؟

نه. ملا جنین چیزهایی در ذهن‌شان به وجود آمد. لذا آنها اسم می‌گفتند و می‌گفتند باید یک نفر رسمی بیاید. حتی این را هم مطرح کردند که در مذاکرات تهران هم بعد از مرحوم آقای هاشمی انجام شد. حتی آن افراد مانند حسن روحانی و دکتر هدی وقت و او را بخشید.

این خودکشی‌ها یک شوآف سیاسی نبود؟

من در جریان آن نیستم؛ چون بعدا دیرک تمامی با آنها نداشتم.

بعد از اشراع و توقف مذاکرات، بازجویی‌ها از شما شروع شد که گویا مسئول این بازجویی‌ها وردی‌نژاد بوده و زیر نظر سعید امامی بیگیری شده است که ۱۵.۱۰ جلسه‌ای هم بازجویی شدید. به نظر رسد که علی هاشمی بعد از این بازجویی‌ها دچار یک سرخوردگی سیاسی شد که صحنه سیاسی را کنار گذاشت؟

نه من چون مسئولیت دیگری در این بخش نداشتم...

اما جناب هاشمی یک‌دهم آن کارهایی را که شما کرده بودید، اگر فرد دیگری انجام داده بود، در حد وزیر باقی می‌ماند. شما در قرارگاه بودید، در لشکر بودید. مهم‌ترین مذاکرات را با آمریکایی‌ها بی‌کرفته و تنها کسی هستید که بعد از قائلانه تا کاخ سفید و دفتر رئیس‌جمهور هم رفته‌اید...

حقیقت این است که وقتی این اتفاقات در حوزه سیاست اجرائی روی داد، من دیگر در مسائل داخلی متمرکز شدم؛ معاون وزیر نفت بودم. در یک دوره‌ای نماینده مجلس بودم.

ولی سال‌ها سکوت سیاسی داشته‌اید؟

بله، چون من کار اجرائی می‌کردم و کمتر به آن کار سیاسی که شما می‌گویید، وارد شدم. نکته دیگری هم که باید گفت، این است که در قانون اساسی هم بعد از سال ۶۸ که اجرائی شد، هیئت نماینده مجلس شورای اسلامی است. حرف آنها این بود که وزارت امور خارجه مطلع نبوده است و باید در مجلس توضیح داده شود که چه کسانی این مذاکرات را داشته‌اند.

شما گفته بودید در جریان مذاکرات کانال ۱ که مک‌فارلین حضور داشت، او به دنبال خواسته‌های بزرگ‌تری از تحویل محموله‌های سلاح بود و انتظار داشت با رهبری از طرف ایران مذاکره کند. آیا وافعا تصور این بود که امام با ریگان وارد گفت‌وگو شود؟

نه. تصور این را که امام وارد شود، نداشتند.

اما شما گفتید رهبر و آن زمان رهبر، امام بود.

نه. ببینید در مذاکرات کانال ۲ هم انتظار آنها همین بود.

که امام برای کار بیاید؟

نه امام، اما بالاخره مرحوم هاشمی، نخست‌وزیر یا بالاخره فردی دارای مسئولیت خاص گذرد و راست هم می‌گفتند؛ چون می‌گفتند که شما رسمی نیستید. من که دانشجو بودم و بقیه هم که به اسم سیاه مذاکره نمی‌کردند. اگر هم دقت کرده باشید، در اسناد کمیته تاور از او (وردی‌نژاد) به نام هیوا نام می‌بردند. چرا می‌گفتند هیوا؟! چون اعتقاد داشتند که این فرد، هم در کانال اول و هم در کانال دوم مذاکرات حضور داشته است. بنابراین باور داشتند این فرد در نظام شخص مهمی است که در هر دو باور داشتند. پس سیدمهدی هاشمی هم که در هر دو کانال حضور داشت، همین باور را نوشته بودند «خویشاوند» و آن فرد دیگر